

تحلیل استعاره‌های مفهومی واژه «آیه» در قرآن

علیرضا قائمی نیا*

شیمای حمیدی**

چکیده

نظریه استعاره مفهومی به عنوان یکی از مهم‌ترین نظریه‌های زبان‌شناختی با برقراری نگاشت میان دو حوزه مبدأ و مقصد عمل می‌کند و از حوزه حسی و شناخته‌شده برای فهم حوزه کمتر شناخته‌شده بهره می‌جوید. استعاره‌هایی که در ارتباط با واژه آیه مطرح شده‌اند، با ساختاربخشی جزئی، آن را از ابعاد مختلفی در کانون توجه قرار می‌دهند. هر استعاره با متمرکزشدن بر یک جنبه از مفهوم «آیات» به ما اجازه می‌دهد یک جنبه از مفهوم آیه را به واسطه مفهوم دیگری مانند ابزار، باران، کالا یا قصه که با وضوح بیشتری تعریف شده است، درک کنیم. استعاره مرتبط با ابزار، مفهوم سیستم از معنای آیه را برای درک کارکرد و پیامدهای آن روشن می‌سازد. استعاره قصه، ظرفیت آیات در برجستگی محتوا را به تصویر می‌کشد و استعاره باران، پیشروی آیات به سوی هدف مد نظر نشان می‌دهد. استعاره کالا نیز هشدار به مخاطبان در جهت تبدیل‌نشدن به تاجرانی زیان‌دیده در صورت استفاده نادرست از آیات است. همپوشانی‌ای که میان این استعاره‌ها وجود دارد، پیدایش تدریجی یک سطح را نشان می‌دهد. این همپوشانی به دلیل وجود تضمین‌های استعاری است که استعاره‌های آیه را به یکدیگر پیوند می‌دهد و آنها را با یکدیگر منسجم می‌سازد.

واژگان کلیدی: استعاره مفهومی، آیه، ابزار، باران، کالا، قصه.

مقدمه

زبان‌شناسی شناختی به عنوان ابزاری برای پردازش و انتقال اطلاعات به بررسی رابطه میان زبان انسان، ذهن او و تجارب اجتماعی و فیزیکی می‌پردازد. این دانش به بررسی این نکته می‌پردازد که «وقتی کاربران زبان می‌خواهند موقعیتی را توصیف کنند، اطلاعات موجود در ذهن آنها چگونه در مفهوم‌سازی یعنی سامان‌دهی آن موقعیت تأثیر می‌گذارد» (قائمی‌نیا، ۱۳۹۰، ص ۴۷). به بیان دیگر ادعای زبان‌شناسی شناختی این است که ساختار زبان انعکاس مستقیم شناخت است؛ یعنی زبان به عنوان نظامی مطرح می‌شود که به طور مستقیم ساختار مفهومی (Conceptual Organization) ما را منعکس می‌کند (Evans and Green, 2006, p.16). در این نگرش فرض بر آن است که زبان الگوهای اندیشه و ویژگی‌های ذهن انسان را منعکس می‌کند و با مطالعه زبان می‌توان به ماهیت و ساختار افکار و آرای ذهن انسان پی برد (راسخ‌مهند، ۱۳۹۳، ص ۷). زبان به طور مستقیم موقعیت‌های بیرونی را نشان نمی‌دهد، بلکه به طور مستقیم پردازش‌گوینده از آن موقعیت‌ها و یا تعبیر او را نشان می‌دهد و این ذهن‌گوینده است که مفهوم‌سازی (Conceptualization) ویژه‌ای از موقعیت‌ها دارد و زبان بیانگر این مفهوم‌سازی‌های به شمار می‌رود (قائمی‌نیا، ۱۳۹۰، ص ۴۳).

الف) استعاره مفهومی

نظریه استعاره مفهومی یکی از نظریات مهم در معناشناسی شناختی محسوب می‌شود که با رویکرد جدید به استعاره در چارچوب مختلفی به آن ساختار می‌بخشد. ارسطو به عنوان نخستین تعریف‌گر استعاره آن را «کاربرد نامی غریب و نامأنوس در مورد چیزی که به آن نام شناخته شده نیست» معنا می‌کند (قاسم‌زاده، ۱۳۹۲، ص ۱۴). در باور سنتی استعاره یکی از ابزارهای تخیل شاعرانه و مورد استفاده در صنایع بلاغی و نه زبان عادی به شمار می‌رود و به عنوان ویژگی زبان در واژه و نه در اندیشه سامان می‌یابد (Lakoff & Johnsen, 2003, p.4). به بیان دیگر در نظریه سنتی استعاره زمانی پیدا می‌شود که یک واژه در مدلول متعارفش به کار نرود و بر چیز دیگری اطلاق شود. ویژگی دیگر این

استعاره انحرافی بودن زبان آن است؛ بدین معنا واژه‌ها در معنای اصلی خود به کار نمی‌روند (قائمی‌نیا، ۱۳۹۶، ص ۹۷). قرائن موجود در میان مستندات کاربرد استعاره در میان مسلمانان را به قرن دوم هجری اثبات می‌نماید. کتاب *معانی القرآن* از یحیی بن زیاد کوفی (متوفای ۲۰۷ق) ملقب به *فراء* نخستین پژوهشی است که به نمونه‌هایی از استعاره در قرآن اشاره دارد. وی استعاره را نامیدن چیزی به جز با نام اصلی‌اش تعریف می‌کند (صفوی، ۱۳۹۱، ص ۳۳۱)؛ اما بر خلاف نظریه موجود که دیدگاه زیبایی‌شناختی دارد، استعاره مفهومی مسئله صرفاً زبانی به شمار نمی‌رود؛ بلکه پردازش تفکر بشری عمدتاً استعاری است (Lakoff & Johnsen, 2003, p.7). طبق این دیدگاه بدون استعاره حتی چیزهای مادی که در جهان با آنها سر کار داریم، قابل فهم نیست و فهم انسان با استعاره شکل می‌گیرد. مقصود از استعاری بودن زبان به این معناست که زبان ما از استعاره‌های مرده* تشکیل شده است که به طور ناخودآگاه استعمال می‌شوند و توجهی به استعاره بودن آن از ناحیه گوینده صورت نمی‌پذیرد. استعاره‌های مفهومی در ماهیت تعاملات روزمره ما با جهان اطراف حضور دارند و به بیان دیگر استعاره‌های مفهومی پایه‌های تجربی دارند (اردبیلی و روشن، ۱۳۹۵، ص ۱۲۳). از دیدگاه شناختی استعاره دارای جنبه‌های مشخصی است که روابط میان دو مفهوم را تعریف می‌کنند. از آنجا که بنیان تمامی استعاره‌ها بر شباهت است و تمام شباهت‌ها هم جزئی هستند، تمام استعاره‌ها معمولاً برخی جنبه‌های حوزه خود را برجسته و بخش‌های دیگر را پنهان می‌کنند (لیوون، ۱۳۹۵، ص ۷۹). در نظریه استعاره مفهومی استعاره در معنای وسیع‌تر به مثابه مفهوم‌سازی یک حوزه از تجربه بر حسب حوزه دیگر تعبیر می‌شود. به این شکل که حوزه مبدأ فیزیکی‌تر، تجربه آن مستقیم‌تر و شناخته‌شده‌تر است و حوزه مقصد انتزاعی‌تر و کمتر شناخته‌شده است (کوچش، ۱۳۹۶، ص ۱۴) و برای مشخص شدن استعاره‌ها نیز باید میان دو

* استعاره مرده استعاره‌ای است که در ابتدا استعاره زیبایی‌شناختی بوده و بر اثر کثرت استعمال حالت غیر استعاری پیدا کرده، در زبان روزمره به عنوان زبان عرفی مورد استفاده قرار می‌گیرد و به دلیل کاربرد عام به واژگان زبان راه یافته است (صفوی، ۱۳۹۱، ص ۳۴۰).

حوزه نگاشت برقرار گردد. به بیان دیگر استعاره‌ها نگاشت‌های مفهومی هستند. به همین علت بخشی از دستگاه مفهومی به شمار می‌روند و ساختارهای زبانی صرف نیستند (نیلی‌پور، ۱۳۹۴، ص ۱۲۸)؛ برای مثال در استعاره «زندگی سفر است» سفر حوزه مبدأ و زندگی حوزه مقصد به شمار می‌رود؛ یعنی مفهوم زندگی بر اساس مفهوم سفر فهمیده می‌شود. قلمرو مبدأ همان مستعارمنه است و قلمرو مقصد بر مستعارله مطابقت دارد و نگاشت نیز همان وجه‌شبهه یا جامع است که از آن با عنوان اصل همسانی یاد می‌شود. در نتیجه استعاره پدیده‌ای شناختی و مبتنی بر تفکر و ادراک است. ماهیت شناختی استعاره متضمن این واقعیت است که استعاره پدیده‌ای صرفاً واژگانی به شمار نمی‌رود و نباید از آن به عنوان سطحی روینایی از کارکرد زبان یاد کرد؛ بلکه باید این پدیده را مفهومی زیربنایی فرض کرد که به اندیشیدن ما شکل می‌دهد (گیررتس، ۱۳۹۳، ص ۴۱۸) و در چارچوب نظام‌مندی به برداشت ما از محیط سامان می‌بخشد.

ب) استعاره‌های مفهومی «آیه» در قرآن

واژه آیه در قرآن کاربرد گسترده‌ای دارد و مصادیق متعددی شامل کلام الهی، معجزات، نشانه‌ها تا پدیده‌های طبیعی را در بر می‌گیرد. واژه آیه- به صورت مفرد و تثنیه و جمع- ۳۸۲ بار در قرآن به کار رفته است. آیه از واژه‌های بسیار کهن سامی است. اهل لغت این واژه را به معنای علامت آشکار (راغب، ۱۴۲۳، ص ۱۰۱)، علامت (الجوهری، ۱۴۳۰، ص ۱۰۸ / ابن‌منظور، ۱۴۰۸، ج ۱، ص ۲۷۲)، عبرت و عجائب (الطریحی، ۱۴۳۰، ص ۷۵) و جمعی از حروف (ابن‌فارس، ۱۴۲۲، ص ۸۵) معنا کرده‌اند.

واژه «آیات» کاربرد استعاری گوناگونی دارد که هر یک از این استعاره‌ها دیدگاهی را برای مفهوم آیه به وجود می‌آورند. استعاره‌های متفاوت می‌توانند به جنبه‌های متفاوت یک مفهوم واحد ساختار ببخشند و هر یک جنبه‌ای خاص از این مفهوم را توصیف نمایند (لیکاف و جانسون، ۱۳۹۵، ص ۱۷۶). هر یک از استعاره‌های مفهوم آیه نیز یکی از ابعاد آن را در کانون توجه قرار می‌دهد و به یکی از جنبه‌های فراوان این مفهوم ساختار می‌بخشد.

۱. آیات ابزار است

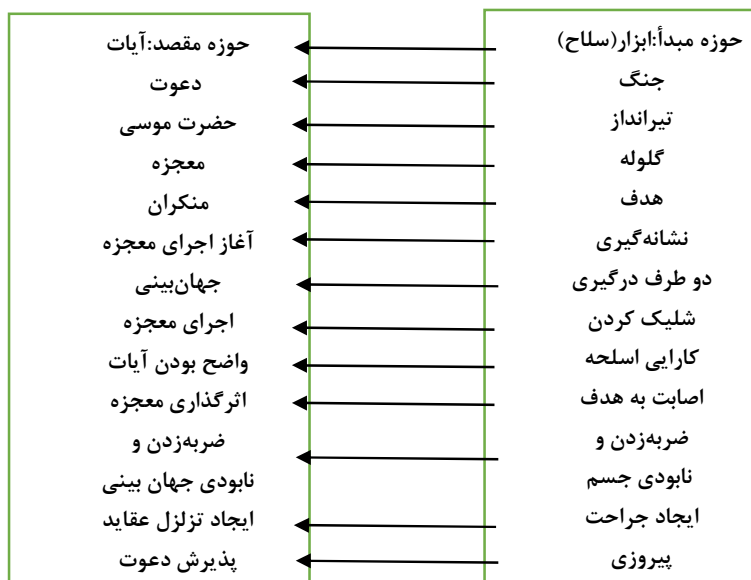
اَذْهَبْ أَنْتَ وَأَخُوكَ بِآيَاتِي وَلَا تَنِيَا فِي ذِكْرِي * اذْهَبَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَىٰ * فَقُولَا لَهُ قَوْلًا لَّيِّنًا لَّعَلَّهُ يَتَذَكَّرُ أَوْ يَخْشَىٰ * قَالَ رَبَّنَا إِنَّنَا نَخَافُ أَنْ يَفْرُطَ عَلَيْنَا أَوْ أَنْ يَطْغَىٰ (طه: ۴۲-۴۵).

ابن‌عاشور معتقد است باء در «بایاتی» بای مصاحبت است؛ برای اینکه به موسی علیه السلام اطمینان بدهد همراه و همنشین آیات خداست. وی آیات را در این آیه به معنای دلایلی که بر راستی موسی علیه السلام دلالت می‌کند، تفسیر نموده است (ابن‌عاشور، [بی‌تا]، ج ۱۶، ص ۱۲۳). فخر رازی نیز باء را به معنای همراهی در نظر می‌گیرد (الرازی، ۱۴۲۰، ج ۲۲، ص ۵۱). علامه طباطبایی رحمته الله راجع به «باء» نظری بیان نکرده است؛ اما آیات را به عنوان دو آیه (معجزه) که قبلاً به موسی وعده داده شده بود، به همراه وعده‌های دیگر (معجزات دیگر) تفسیر می‌کند. وی معتقد است اگر منظور فقط همان دو معجزه قبل بود، با لفظ «آیتین» بیان می‌شد (الطباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۴، ص ۱۵۴). زمانی که این استعاره را بررسی می‌کنیم، در می‌یابیم باء «بای ابزار و وسیله» است. در این استعاره آیات همانند ابزاری است که خداوند حضرت موسی علیه السلام را با آن مجهز می‌نماید تا در جهت پیشبرد اهداف خویش بهره برد.

این استعاره ساختاری است. در استعاره ساختاری یک مفهوم بر اساس مفهوم دیگر ساختار می‌یابد. در استعاره ساختاری، حوزه مبدأ به واسطه نگاشت‌هایی که استعاره را مشخص می‌سازند، ساختاری را بر حوزه هدف تحمیل می‌کنند (کوچش، ۱۳۹۵، ص ۲۱۵). در استعاره «آیات، ابزار است» مفهوم آیات، در قالب مفهوم ابزار فهمیده می‌شود. همچنین روابط حاکم بر مفاهیم ناظر به ابزار در مورد مفاهیم مرتبط با آیات نیز به کار رفته است. به عبارت دیگر ما بر اساس روابط ناظر به ابزار روابط ناظر به مفاهیم مرتبط با آیات را درک می‌کنیم. به واسطه این استعاره، گستره کاربری حوزه ابزار به حوزه آیات منتقل می‌شود تا شناخت و فهم بهتری از حوزه مقصد یعنی آیات به دست آید.

برای فهم بهتر کارکرد این استعاره، ابزار را در مصداق خاصی محدود می‌کنیم. با کمی دقت در فضای این آیات و در نظر گرفتن استلزام استعاری در می‌یابیم سلاح نقش برجسته‌ای میان دیگر ابزار به عهده می‌گیرد. به‌کار بستن واژه‌هایی همانند قتل (فاخاف ان یقتلون) و غلبه (غالبون) و تهدید شدن به اسارت* و توصیف قوم فرعون به قوم ظالم، فضای جنگ را در ذهن مخاطب تداعی می‌کند. محدود ساختن ابزار در مصداقی خاص این امکان را برای ما فراهم می‌آورد که چستی آیات را با واسطه چیزی که درک آن برای ما آسان‌تر به نظر می‌رسد، یعنی «سلاح» مفهوم‌سازی کنیم.

نگاشت‌ها



واژه سلاح عمدتاً فضای جنگ را در ذهن تداعی می‌کند. جنگ به طور طبیعی در میان

« وَ لَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَىٰ بِآيَاتِنَا وَ سُلْطَانٍ مُّبِينٍ * إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَ هَامَانَ وَ قَارُونَ فَقَالُوا سَاحِرٌ كَذَّابٌ * فَلَمَّا جَاءَهُمْ بِالْحَقِّ مِنْ عِنْدِنَا قَالُوا اقْتُلُوا أَبْنَاءَ الَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ وَ اسْتَحْيُوا نِسَاءَهُمْ وَ مَا كَيْدُ الْكَافِرِينَ إِلَّا فِي ضَلَالٍ (غافر: ۲۳-۲۵)؛ وَ قَالَ سَنَسُدُّ عَضُدَكَ بِأَخِيكَ وَ نَجْعَلُ لَكُمَا سُلْطَانًا فَلَا يَصِلُونَ إِلَيْكُمَا بِآيَاتِنَا إِنَّهُمَا وَ مِنْ أَتْبَعَكُمَا الْغَالِبُونَ (قصص: ۳۵).

موجودات عالم وجود دارد و با وجود تغییرات فراوان در کاربری ابزارهای متنوع در طول تاریخ، ساختار اساسی نزاع‌ها به لحاظ عملکرد و پیامد بدون تغییر باقی مانده است. نزاع-ها میان انسان‌ها شامل کنش‌های چالشی برای تهدید، تعیین و دفاع از قلمرو، حمله، دفاع، حمله متقابل، عقب‌نشینی و تسلیم‌شدن است. در این استعاره از دو فضای کاملاً متفاوت استفاده شده است. در فضای مادی ابزاری که در جنگ مورد استفاده قرار می‌گیرد، سلاح است. پیامبران نیز برای رویارویی با منکران زمانه خود به ابزاری نیاز دارند تا از آن در جهت اهداف خود که دعوت به سوی الله و از میان برداشتن سنت‌های غلط است، بهره‌برداری کنند. در این میان ابزار پیامبران سلاحی به نام آیات (معجزات) است تا صدق دعوت خود را اثبات نمایند. با استفاده از فضای ثانوی یعنی فضای جنگ، آیات- که در اینجا به معجزات حضرت موسی علیه السلام اشاره دارد- همانند ابزاری (سلاحی) مفهوم‌سازی شده که با حمله به جهان‌بینی طرف مقابل، اعتقادات او را مورد هدف قرار می‌دهد و به آن ضربه وارد می‌کند. این استعاره آیات را به مثابه سلاحی در نظر می‌گیرد که می‌تواند آسیب بزند و حتی نابود سازد؛ از این رو منجر به کنش‌هایی در جبهه مقابل مانند اعلام جنگ علیه این سلاح (برگزاری مراسم توسط فرعون نوعی اعلان جنگ با موسی علیه السلام و سلاحش به شمار می‌رود)، تعیین اهداف (تحقیر و از میان بردن موسی)، بسیج عمومی (بسیج ساحران و دعوت عامه مردم) ایجاد سیستمی برای مقابله با موسی علیه السلام می‌شود. وجه اشتراک دیگر که تأیید درون‌قرآنی نیز دارد، ویژگی ایجاد رعب است. سلاح طبق آیات قرآن در صفوف دشمن وحشت به وجود می‌آورد: «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهَبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ» (انفال: ۶۰). آیات نیز این قابلیت را دارند؛ آنجایی که پیامد قدرت آیات (معجزات) ایجاد بهت و شگفتی در میان ساحران و مردمان حاضر است که در نهایت به ایمان‌آوردن ساحران که آگاهان به مسئله سلاح خاص حضرت موسی علیه السلام هستند، منجر می‌شود.

۲. آیات باران است

یکی از پدیده‌های طبیعی که در قرآن به طور گسترده با مفهوم‌سازی‌های گوناگون برای

تبیین اهداف مورد نظر استفاده شده است، پدیده باران است. در قرآن معمولاً برای نشان‌دادن باران فعل «نزل» و مشتقات آن به کار برده شده است. آنچه از تحلیل آیات قرآن به دست می‌آید، این است که در آیات قرآن فعل «أنزلنا» همان گونه که با آب باران هم‌نشین شده* با آیات - اعم از کلام الهی و معجزات - نیز هم‌نشین شده است و از واژه نزول برای رساندن مفهوم آمدن آیه استفاده شده است. نکته جالب توجه این است که اصولاً انزال باران از پدیده‌هایی است که در قرآن صراحتاً آیه نام گرفته است (بقره: ۱۶۴ / انعام: ۹۹ / یونس: ۲۴ / نحل: ۶۵ / روم: ۲۴ / فصلت: ۳۹).

ج) کاربست واژه نزول در دو مفهوم آیات و باران

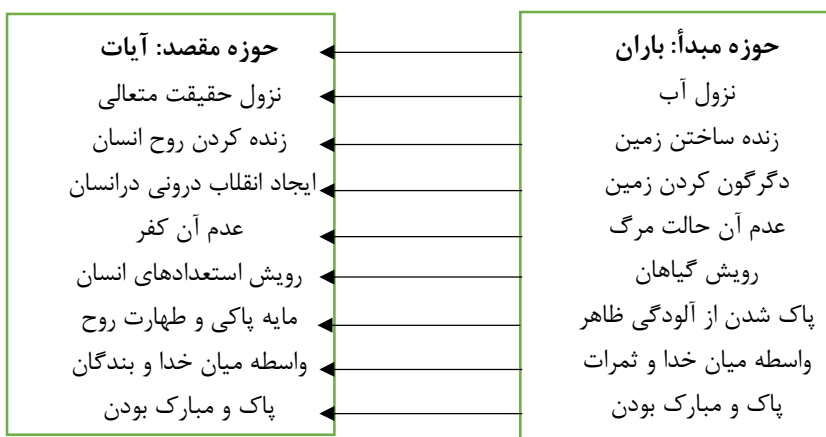
بررسی کاربست این واژه در دو مفهوم باران و آیات ارتباط میان این دو مقوله را روشن می‌سازد. باران در قرآن از تیره نزولات به شمار می‌آید. زمانی که به کاربردهای متنوع این مفهوم در قرآن توجه می‌کنیم، علاوه بر معنای فرودآمدن، تعبیری نمادین از سطح تقلیل یافته و هموار شده یک حقیقت متعالی است تا برای انسان قابل فهم و بهره‌وری باشد. مفهوم نزول در ارتباط با کلام خدا به مفهوم تقلیل کلام خدا تا سطح زبان و قراردادن دلالت وضعی لفظی برای آشکارگی هدی للناس بودن آن است (شرفشاهی، ۱۳۸۴، ص ۷۶-۷۸). به عبارت دیگر تنزل یافتن قرآن به مرحله الفاظ برای رسیدن به فاهمه بشری بوده است (الطباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۸، ص ۷۳). مقایسه میان آیاتی که انزال را در مورد آیات قرآن به کار برده است، با آیاتی که به نزول باران و اثرات آن می‌پردازد، به شکل‌گیری استعاره «آیات باران است» منجر می‌شود و ما را به نتایج جالب توجهی در یافتن شواهدی درون‌قرآنی برای تأیید این استعاره رهنمون می‌سازد. عباراتی همانند «انزلنا آیات بینات» که در آن واژه نزول با آیات هم‌نشین شده است، آیات را به شکل

* الذی جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ فِرَاشًا وَالسَّمَاءَ بِنَاءً وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجَ بِهِ مِنَ الثَّمَرَاتِ رِزْقًا لَكُمْ فَلَا تَجْعَلُوا لِلَّهِ أُندَادًا وَ أَنْتُمْ تَعْلَمُونَ (بقره: ۲۲) و آیات بسیاری به آبی اشاره می‌کند که از آسمان نازل می‌شود و سبب‌ساز برکات بسیاری همانند خروج ثمرات و... می‌گردد. واژه آب زمانی که با ماده نزول هم‌نشین می‌شود، اطلاق باران پیدا می‌کند.

فروآمدنی برای ما ترسیم می‌کنند.

در این استعاره آیات اعم از کلام الهی و معجزات است. این استعاره که یک استعاره جهتی به شمار می‌رود، در چارچوب شکل‌گیری دستگاه نظام مفهومی آیات با توجه به دستگاه مفهومی باران ساماندهی می‌شود و جهت‌مند بودن این استعاره به دلیل پیوند آن با جهت مکانی است که واژه نزول به آن اشاره می‌کند. نزدیکی تعبیر به‌کاربرده‌شده در مورد آیات- اعم از کلام خدا و معجزات- و باران اصل همسانی و سنخیت این دو مقوله را به ذهن متبادر می‌کند و تأیید استعاره مذکور قلمداد می‌شود.

نگاشت‌ها



باران کارکردهای گوناگون دارد. نگاشت‌های مشترک فراوانی میان سیر کارکرد باران در طبیعت و ارتباط آن با کارکرد آیات وجود دارد. ویژگی‌های مشترکی همچون توانایی تأثیرگذاری و دگرگون‌ساختن محیط اطراف خویش و پرورش استعداد های بالقوه در این دو مقوله به چشم می‌خورد. وجه اشتراک‌های دیگری همانند انزال توسط خداوند، مبارک و پاک‌بودن و نیز مایه رحمت بودن در این دو مقوله قابل استحصال است.

«إِذْ يُغَشِّيكُمُ النُّعَاسَ أَمَنَةً مِّنْهُ وَ يُنَزِّلُ عَلَيْكُمْ مِّنَ السَّمَاءِ مَاءً لِّيُطَهِّرَكُم بِهِ وَ يُذْهِبَ عَنْكُمْ رِجْسَ الشَّيْطَانِ وَ لِيَرْبِطَ عَلَى قُلُوبِكُمْ وَ يَثْبِثَ بِهِ الْأَقْدَامَ» (انفال: ۱۱).

این آیه به کارکرد معنوی باران که با کارکرد معنوی آیات الهی سنخیت دارد، پرداخته است و به چند مورد از تأثیرات و پیامدهای باران همانند طهارت و پاکی، دورسازی وسوسه و کید شیطان، برقراری پیوند میان قلبها و استوارکردن قدمها اشاره شده است. آیات قرآن و تلاوت آنها نیز عامل مؤثری در طهارت قلب، دورسازی وسوسه شیطان و نیز عامل مؤثری در نزدیکی میان قلوب مؤمنان و ثابت قدمی در راه حقایق دین می‌گردد.

«الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ فِرَاشًا وَالسَّمَاءَ بِنَاءً وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجَ بِهِ مِنَ الثَّمَرَاتِ رِزْقًا لَكُمْ فَلَا تَجْعَلُوا لِلَّهِ أَنْدَادًا وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ» (بقره: ۲۲).

یکی از ابعاد مهم کارکردهای باران رویش سبزه‌ها و گیاهان است، پس از به‌جنبش درآمدن خاک که مقدمه خروج نباتات از درون آن است. در این آیه به مرحله دیگری از نتایج نزول باران که خروج گیاهان گوناگون و رزق‌بودن این گیاهان و ثمرات برای انسان‌هاست، اشاره شده است. این آیه همچنین به عاملیت باران که چون واسطه‌ای میان خدا و ثمرات زمین نقش‌آفرینی می‌کند، اشاره دارد که در آن خداوند به وسیله باران ظرفیت‌های بالقوه زمین را به شکل گیاهان و نباتات به صورت بالفعل شکوفا می‌سازد. آیات الهی نیز همچون واسطه‌ای برای کمال انسان‌ها میان وی و خدای او نقش‌آفرینی می‌کنند و سبب‌ساز پرورش استعدادهای درونی او می‌گردند.

در کاربرد دیگری به خاصیت زنده‌کردن زمین توسط آب باران اشاره شده است: «وَاللَّهُ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِقَوْمٍ يَسْمَعُونَ» (نحل: ۶۵).

این آیه با اشاره انزال باران و در پی آن زنده‌ساختن زمین مرده توسط خداوند به کارکرد وسیع حیات‌بخشی باران اشاره می‌نماید. آیات الهی هم با هدف زنده‌کردن حیات معنوی انسان‌ها از سوی خداوند و با رسالت پیامبر نازل می‌شوند: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَحُولُ بَيْنَ الْمَرْءِ وَقَلْبِهِ وَأَنَّهُ إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ» (انفال: ۲۴).

به طور کلی مفهوم آیه در قرآن به هنگام معرفی پدیده‌ای طبیعی به عنوان آیه و نشانه پیوندی تنگاتنگ با مفاهیم مرتبط با آسمان دارد (پهلوان و دهقان، ۱۳۹۴، ص ۳۶) و به دنبال برقراری رابطه میان این پدیده و مفاهیم فرامادی است.

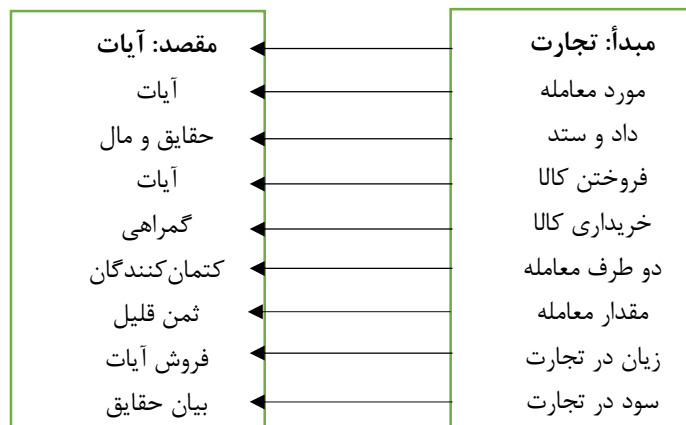
۲. آیات کالا است

اشْتَرَوْا بِآيَاتِ اللَّهِ ثَمَنًا قَلِيلًا فَصَدُّوا عَنْ سَبِيلِهِ إِنَّهُمْ سَاءَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (توبه: ۹).

این استعاره که در یک استعاره ساختاری به شمار می‌رود، به جنبه سلبی استفاده از آیات اشاره کرده است. در این استعاره آیات همانند کالایی در نظر گرفته شده که مورد تجارت واقع می‌شود و مقدار آن به لحاظ کمی تعیین شده است که در آیه مورد نظر مقدار آن ثمن قلیل ذکر شده است. «وَأَمِنُوا بِمَا أَنْزَلْتُ مُصَدِّقًا لِمَا مَعَكُمْ وَلَا تَكُونُوا أَوْلَىٰ كَافِرٍ بِهِ وَلَا تَشْتَرُوا بِآيَاتِي ثَمَنًا قَلِيلًا وَإِيَّايَ فَاتَّقُونِ» (بقره: ۴۱).

برخی مفسران «اشتری» را استعاره از استبدال معنا می‌کنند (ابوحیان، ۱۴۲۰، ج ۱، ص ۲۸۸/الرازی، ۱۴۲۰، ج ۳، ص ۴۸۴) و «ثمن قلیل» ریاستی بود که نگران از دست دادن آن در صورت تبعیت از پیامبر بودند و آن را با حقایق و آیات خداوند مبادله کردند (الزمخشری، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۱۳۲). در نتیجه می‌توان این دو معنا را افاده نمود که یا گمراهی را با ثمن قلیل (دریافت مال در ازای کتمان آیات و حقایق) خریدند یا آیات و حقایق را با امور مادی همچون ریاست مبادله کردند.

نگاشت‌ها



إِنَّا أَنْزَلْنَا التَّوْرَةَ فِيهَا هُدًى وَ نُورٌ يَحْكُمُ بِهَا النَّبِيُّونَ الَّذِينَ أَسْلَمُوا لِلَّذِينَ هَادُوا وَ الرِّبَّانِيُّونَ وَ الْأَحْبَارُ بِمَا اسْتُحْفِظُوا مِنْ كِتَابِ اللَّهِ وَ كَانُوا عَلَيْهِ شُهَدَاءَ فَلَا تَخْشَوُا النَّاسَ وَ اخْشَوْنِ وَ لَا تَشْتَرُوا بِآيَاتِي ثَمَنًا قَلِيلًا وَ مَنْ لَمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْكَافِرُونَ (مائده: ۴۴).

خداوند در این آیات از اینکه آیات الهی به مثابه کالای قابل خرید و فروش در نظر گرفته شده، مخاطب (یهود) را به شدت سرزنش می‌کند و پذیرش آیات الهی - که در همین آیات هدایتگر و روشنگر معرفی شده‌اند و پشتوانه انبیا برای حکم میان مردم به شمار می‌روند - و بر عدم کتمان آنها در مقابل مبلغی ناچیز تأکید می‌کند. در ادامه علت این رویکرد منفی به آیات را خشیت از مردم (مردم دارای نفوذ) و چاره آن را در خشیت از خداوند معرفی می‌کند.

وَ إِنِّ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَمَنْ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَ مَا أَنْزَلَ إِلَيْكُمْ وَ مَا أَنْزَلَ إِلَيْهِمْ خَاشِعِينَ لِلَّهِ لَا يَشْتُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ ثَمَنًا قَلِيلًا أُولَئِكَ لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ إِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ (آل عمران: ۱۹۹).

اهمیت این نکوهش تا بدانجاست که در مقابل توصیف کفر برای مبادرت‌کنندگان به این عمل، دوری‌گزینان از این عمل را صاحب اجر آن هم در مقام قرب الهی معرفی می‌نماید.

۴. آیات قصه است

قصه از ریشه قَصَص به معنای خبر حکایت‌شده (ابن‌منظور، ۱۹۸۸، ج ۱۱، ص ۱۹۱) و اتباع اثر (الحسینی، ۱۹۹۴، ج ۹، ص ۳۳۵) آمده است. قصص نیز جمع قصه‌ای است که نوشته می‌شود (ابن‌منظور، ۱۹۸۸، ج ۱۱، ص ۱۹۱). قصه در اصطلاح قرآنی به معنای تعقیب و پیگیری سرگذشت (الراغب، ۱۹۹۲، ص ۶۷۱) و روایت واقعه به طریق خواندن یا نوشتن است (المصطفوی، ۱۳۶۸، ج ۹، ص ۲۷۵). قصه از واژگان اصیل عربی است و در

کتب مشهور اشاره به غیر عربی بودن این واژه نشده است. در قرآن نیز لفظ قصه و نیز جمع آن یعنی قصص به کار نرفته است و هر جا این واژه مد نظر بوده، در قالب ماده «قَصَص» آمده است (ملیبوی، ۱۳۷۶، ص ۸۱). واژه قصص شش بار در قرآن ذکر شده است که تنها یک بار در معنای اصلی و مصدری (پی جویی و دنبال کردن اثر)* و در بقیه موارد به معنای حکایت، داستان و... آمده است.**

در این میان این واژه در دو موضع با واژه آیات هم‌نشین شده است و برای اشاره به بیان آیات از فعل «قص» استفاده شده است:

يَا مَعْشَرَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ أَلَمْ يَأْتِكُمْ رُسُلٌ مِنْكُمْ يَقُصُّونَ عَلَيْكُمْ آيَاتِي وَيُنذِرُونَكُمْ لِقَاءَ يَوْمِكُمْ هَذَا قَالُوا شَهِدْنَا عَلَىٰ أَنْفُسِنَا وَغَرَّبْتُمْ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَشَهِدُوا عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ أَنَّهُمْ كَانُوا كَافِرِينَ (۱۳۰ انعام) يَا بَنِي آدَمَ إِنَّمَا يَأْتِيَنَّكُمْ رُسُلٌ مِنْكُمْ يَقُصُّونَ عَلَيْكُمْ آيَاتِي فَمَنِ اتَّقَىٰ وَأَصْلَحَ فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ (اعراف: ۳۵).

تأیید الگوی نگاشتی عبرت در خود قرآن یافت می‌شود: «لَقَدْ كَانَ فِي قَصَصِهِمْ عِبْرَةٌ لِّأُولِي الْأَلْبَابِ مَا كَانَ حَدِيثًا يُفْتَرَىٰ وَلَكِن تَصْدِيقَ الَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ وَتَفْصِيلَ كُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ» (یوسف: ۱۱۱).

همان گونه که هدف قصه به خصوص قصه قرآنی طبق نص صریح قرآن پندآموزی و عبرت است، آیات نیز سبب عبرت‌اند. در این استعاره که یک استعاره هستی‌شناختی است، آیات در ظرفی به نام قصه تعریف شده است. استعاره‌های هستی‌شناختی یک موقعیت معین هستی‌شناختی یا وجودی را برای یک حوزه هدف تأمین می‌کنند. در نتیجه پدیده‌های تصورناپذیر به «چیزهای» استعاری، ادراک‌های دیداری (بصری) به ظرف و حالت‌ها به مواد تبدیل می‌شوند. برای نمونه ذهن به صورت ظرف تعبیر

* فَارْتَدَّ عَلَىٰ آثَارِهِمَا قَصَصًا (کهف: ۶۴).

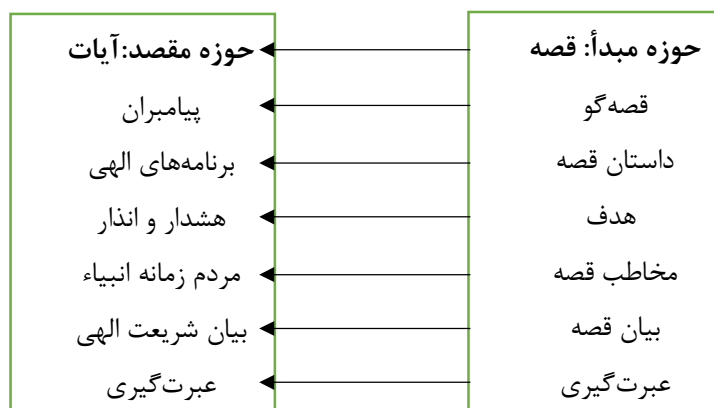
** (۱) إِنَّ هَذَا لَهُوَ الْقَصَصُ الْحَقُّ (آل عمران: ۶۲). (۲) فَأَقْصَصِ الْقَصَصَ (اعراف: ۱۷۶). (۳) نَحْنُ نَقُصُّ عَلَيْكَ أَحْسَنَ الْقَصَصِ (یوسف: ۳). (۴) فَلَمَّا جَاءَهُ وَقَصَّ عَلَيْهِ الْقَصَصَ (قصص: ۲۵). (۵) لَقَدْ كَانَ فِي قَصَصِهِمْ عِبْرَةٌ (یوسف: ۱۱۱).

می‌شود. در مواردی همچون: آنچه می‌بینیم در «داخل» میدان دید ماست و ما در «داخل حالت» عشق هستیم، تنوعی از استعاره‌های هستی‌شناختی به شمار می‌روند که موقعیت وجودی فرایندها، حالت‌ها را برای ما مشخص می‌سازند (کوچش، ۱۳۹۵، ص ۲۱۵).

در این استعاره سطح مرزبندی شده ظرف (قصه) با «صورت» آیات و آنچه درون ظرف (قصه) است با «محتوا» آیات مطابقت دارد. در ظرفی (قصه‌ای) که با بیشترین میزان کارایی طراحی شده و مورد استفاده قرار می‌گیرد، همه سطح مرزبندی شده برای نگهداشتن محتوا به کار می‌رود. در آرمانی‌ترین حالت هرچه سطح وسیع‌تر باشد (آیات طولانی‌تر باشد) ماده بیشتری درون ظرف خواهد بود (آیات محتوای بیشتری دارد). همان‌طور که کارکرد قصه پدیدار می‌شود، سطح بیشتری که به واسطه آن کارکرد آیات مشخص می‌گردد، پدید می‌آید.

سطح مرزبندی شده ظرف (قصه) = مطابقت با صورت آیات
درون ظرف (قصه) = مطابقت با محتوای آیات

نگاشت‌ها



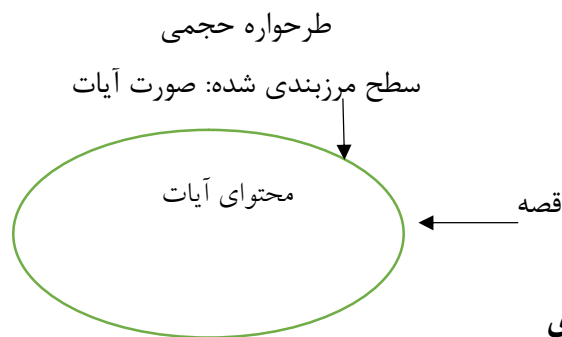
يَا مَعْشَرَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ أَلَمْ يَأْتِكُمْ رُسُلٌ مِنْكُمْ يَقُصُّونَ عَلَيْكُمْ آيَاتِي وَيُنذِرُونَكُمْ لِقَاءَ يَوْمِكُمْ هَذَا قَالُوا شَهِدْنَا عَلَىٰ أَنْفُسِنَا وَغَرَّبْتُمْ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَشَهِدُوا عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ أَنَّهُمْ كَانُوا كَافِرِينَ (انعام: ۱۳۰).

در این استعاره یکی از مهم‌ترین محتوای درون ظرف که سطح مرزبندی شده بیشتری به خود اختصاص داده است، موضوع انذار است و جنبه سرگرمی قصه پنهان و ابعاد عبرت‌گیری و هشدار برجسته شده است.

يَا بَنِي آدَمَ إِنَّمَا يَأْتِيَنَّكُمْ رُسُلٌ مِّنكُمْ يَقُصُّونَ عَلَيْكُمْ آيَاتِي فَمَنِ اتَّقَىٰ وَ أَصْلَحَ فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ (اعراف: ۳۵).

نتیجه این قصه‌گویی تقوا و اصلاح و درنهایت ازمیان‌رفتن حزن و ترس را که نهایت رسیدن به کمال است، موجب می‌شود.

طرحواره حجمی بر این استعاره قابل انطباق است. در این طرحواره قصه حکم ظرف را داراست که محتوای آیات را به صورت مظروف در بر می‌گیرد.



نتیجه‌گیری

استعاره‌های قرآنی برای تقریب‌سازی و فهم مفاهیم معنوی و حوزه‌های دور از دسترس نقش مهمی را ایفا می‌نمایند. در نظام استعاره‌های قرآنی بازگشت این استعاره‌ها به تجاربی است که به صورت مداوم در معرض دید انسان‌ها قرار دارد و برای او شناخته شده است. استعاره‌هایی که در ارتباط با واژه «آیات» مطرح شده‌اند، هر یک ساختار جزئی به آن می‌دهند و آن را از ابعاد مختلفی در کانون توجه قرار می‌دهند. این استعاره‌ها توصیف مشترکی از مفهوم آیه ارائه نمی‌دهند، بلکه جنبه‌های مختلف آن را به صورت جداگانه توصیف می‌کنند. آنچه در این میان باید مورد توجه قرار بگیرد، این است که جوهر و اساس استعاره، درک کردن و تجربه کردن «چیزی» بر اساس «چیز دیگری» است و به این معنا نیست که آیات نوعی ابزار، کالا یا قصه باشد. کنش‌هایی که

میان مقوله آیات و دیگر مقوله‌ها اتفاق می‌افتد، با یکدیگر متفاوت‌اند؛ اما مفهوم آیات تا حدودی به واسطه مفاهیم دیگری که هر یک بر جنبه خاصی متمرکز می‌شوند، سامان می‌یابد و زبان در این کنش و مفهوم به شکل استعاری ساختار پیدا می‌کند. هر استعاره بر یکی از جنبه‌های مفهوم آیات متمرکز می‌شود؛ در نتیجه برخی جنبه‌ها را برجسته و بخش‌های دیگر را پنهان می‌سازد و هر استعاره به دنبال تحقق یک هدف است. علاوه بر این هر یک از استعاره‌ها به ما اجازه می‌دهند یک جنبه از مفهوم آیه را به واسطه مفهوم دیگری مانند ابزار، باران، کالا یا قصه که با وضوح بیشتری تعریف شده است، درک کنیم. علت اینکه ما به چند استعاره نیاز داریم، این است که هیچ استعاره واحدی وجود ندارد که بتواند این کار را انجام دهد و نمی‌تواند به طور همزمان این چند هدف را محقق سازد. در تحلیل استعاری آیات زمانی که از آیات سوءاستفاده صورت می‌گیرد، به این معناست که آیات نمی‌تواند در شکل درست آن استفاده شود و این در استعاره «آیات کلاست» آشکار می‌گردد. استعاره باران هم بر جهت و هم بر کارکردهای آن (پیشروی به سوی هدف) تأکید می‌کند. استعاره قصه (طرف)، محتوا را با توجه به میزان، تراکم، مرکزیت و مرزهای آن برجسته می‌سازد و استعاره سلاح نیز با نگاهی ابزاری به مفهوم آیه، سیستمی برای درک کارکردها و پیامدهای آیات را برای ما به تصویر می‌کشد. در نتیجه ساختار بخشی‌های استعاری گوناگون یک مفهوم به واسطه تمرکز بر جنبه‌های گوناگون آن مفهوم، اهداف متفاوتی را تحقق می‌بخشند. آنچه به این استعاره‌ها اجازه می‌دهد «با یکدیگر تناسب داشته باشند» وجود نوعی همپوشانی علی‌رغم عدم وجود هماهنگی کامل است. آنچه این همپوشانی را امکان‌پذیر می‌سازد، وجود تضمن‌های مشترک میان استعاره‌های سلاح، کالا، باران و قصه است که انسجام آنها را مشخص می‌سازد و میزان پیام‌های تحت پوشش آیات و میزای محتوای آن را به یکدیگر پیوند می‌دهد. تضمن‌های استعاری در پیوند دادن همه نمونه‌های ساختاربخشی استعاره واحد به یک مفهوم نقشی اساسی بر عهده دارند. در استعاره آیات کارکردها با صورت و نواحی پوشش‌داده با محتوا مطابقت دارند و همپوشانی میان این استعاره‌ها

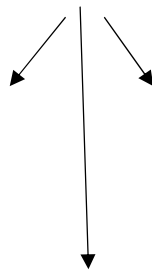
پیدایش تدریجی یک سطح است. زمانی که آیات به واسطه کاربرد ابزار (به واسطه عملکرد سلاح) نواحی بیشتری را (به واسطه سطح باران) پوشش دهد، محتوای بیشتری (به واسطه ظرف قصه) خواهد داشت.

آیات قصه است



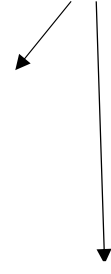
با پیدایش سطح
گسترده‌تر آیات
محتوای بیشتری
خواهد داشت

آیات باران است



با پیشروی آیات
سطح گسترده‌تری
پیدا می‌شود

آیات ابزار است



با عملکرد
آیات پیشروی
حاصل می‌آید

در صورت معامله نادرست با آیات پیامدهای مخالف کارکرد اصلی پدید خواهد آمد

(آیات کالا است)

منابع و مأخذ

* قرآن کریم.

۱. ابن عاشور، محمد بن طاهر؛ **التحریر و التنویر** بیروت: مؤسسه التاریخ، [بی تا].
۲. ابن فارس، احمد؛ **معجم مقاییس اللغه**؛ بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۲ق.
۳. رحمدل شرفشادهی، غلامرضا؛ «باران و تأویل نشانه‌شناختی پدیدارها در قرآن»، اندیشه دینی؛ ش ۱۴، ۱۳۸۶.
۴. ابن منظور؛ **لسان العرب**؛ بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۸ق.
۵. ابوحنیان، محمد بن یوسف؛ **البحر المحیط فی التفسیر**؛ تحقیق صدقی محمد جمیل؛ بیروت: دار الفکر، ۱۴۲۰ق.
۶. اردبیلی، لیلا و بلقیس روشن؛ **مقدمه‌ای بر معناشناسی شناختی**؛ تهران: علم، ۱۳۹۲.
۷. پهلوان، منصور و مهدی دهقان؛ «مصادیق گونه‌گون آیه در قرآن»، **سراج منیر**؛ ش ۱۸، ۱۳۹۴.
۸. جورج لیکاف، مارک جانسون؛ **استعاره‌هایی که با آنها زندگی می‌کنیم**؛ ترجمه هاجر آقاابراهیمی؛ تهران: علم، ۱۳۹۴.
۹. الجوهری، اسماعیل؛ **الصحاح**؛ قاهره: دار الحدیث، ۱۴۳۰ق.
۱۰. الحسینی، محمد مرتضی؛ **تاج العروس**؛ بیروت: دار الفکر، ۱۹۴۴م.
۱۱. الرازی، فخرالدین محمد بن عمر؛ **مفاتیح الغیب**؛ بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ق.
۱۲. راسخ‌مهند، محمد؛ **درآمدی بر زبان‌شناسی شناختی**؛ تهران: سمت، ۱۳۹۳.
۱۳. الراغب الاصفهانی، ابی‌القاسم؛ **مفردات الفاظ قرآن**؛ تحقیق عدنان داوری؛ دمشق: دار القلم، ۱۴۲۳ق.

۱۴. الزمخشری، محمود؛ **الكشاف عن حقائق غوامض التنزيل**؛ بيروت: دار الكتاب العربي، ۱۴۰۷ق.
۱۵. صفوی، کوروش؛ **نوشته‌های پراکنده (معنی‌شناسی)**؛ تهران: علمی، ۱۳۹۱.
۱۶. الطباطبایی، محمدحسین؛ **المیزان فی تفسیر القرآن**؛ قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین، ۱۴۱۷ق.
۱۷. الطریحی، فخرالدین؛ **مجمع البحرین**؛ بیروت: مؤسسه‌ی الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۳۰ق.
۱۸. عبدالباقی، محمدفؤاد؛ **المعجم المفهرس لألفاظ القرآن الکریم**؛ قم: نوید اسلام، ۱۴۲۵ق.
۱۹. قاسم‌زاده، حبیب‌الله؛ **استعاره و شناخت**؛ تهران: کتاب ارجمند، ۱۳۹۲.
۲۰. قائمی‌نیا، علیرضا؛ **استعاره‌های مفهومی و فضاهای قرآن**؛ تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۹۶.
۲۱. —؛ **معناشناسی شناختی قرآن**؛ تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۹۰.
۲۲. کوچش، زولتان؛ **استعاره‌ها از کجا می‌آیند**؛ ترجمه جهان‌شاه میرزابیگی؛ تهران: آگاه، ۱۳۹۶.
۲۳. —؛ **زبان، ذهن و فرهنگ**؛ ترجمه جهان‌شاه میرزابیگی؛ تهران: آگاه، ۱۳۹۵.
۲۴. گیررتس، دیرک؛ **نظریه‌های معنی‌شناسی واژگانی**؛ تهران: علمی، ۱۳۹۳.
۲۵. لیکاف، جورج؛ **قلمرو تازه علوم شناختی**؛ ترجمه جهان‌شاه میرزابیگی؛ تهران: آگاه، ۱۳۹۵.
۲۶. لیوون، تئوون؛ **آشنایی با نشانه‌شناسی اجتماعی**؛ ترجمه محسن نویخت؛ تهران: علمی، ۱۳۹۵.
۲۷. المصطفوی، حسن؛ **التحقیق فی کلمات القرآن**؛ ایران: الدائرة العامة للمراكز و

العلاقات الثقافية، ۱۳۶۸.

۲۸. ملبوبی، محمدتقی؛ تحلیلی نواز قصص قرآن؛ تهران: امیرکبیر، ۱۳۷۶.

۲۹. نیلی پور، رضا؛ زبان شناسی شناختی؛ تهران: هرمس، ۱۳۹۴.

30. Evans Vyvyan Green Melanie; **Cognitive linguistics: An Introduction**; New jersey: Edinburgh University Press, 2006.

31. Lakoff, Georg and Mark Johnsen; **Metaphors we live by**; London, The university of Chicago press, 2003.

۲۴
ذهن

پاییز ۱۳۹۹ / شماره ۸۳ / علیرضا قائمی نیا، شیما حمیدی